



دانشگاه صنعتی همدان

گاهنامه فرهنگی و
اجتماعی
نهادهای نمایندگی مقام معظم رهبری

در
دانشگاه صنعتی همدان
سال اول، شماره ۲
فاطمیه ۱۴۰۰

سید

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقُ الطَّاهِرُ

@NAHAD_HUT

نهادهای مقام معظم رهبری
دانشگاه صنعتی همدان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فہرست مطالب

- ۳..... سخن مدیر مسئول
- ۴..... الگوی حضور اجتماعی سیاسی زن مسلمان
- ۵..... بہ وقت کتاب
- ۶..... پتھر مہدوی
- ۷..... داستان دست ہا
- ۹..... قرآن و امام حسین (ع) * قیمت دوم *
- ۱۰..... سردار فاطمی
- ۱۲..... شعرانار
- ۱۳..... حس خوب تیزی

شناسہ

گاہنامہ فرهنگی اجتماعی سدید

سال اول / شماره ۲ / فاطمیہ ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: نهاد نمایندگی مقام معظم رہبری

در دانشگاه صنعتی ہمدان

مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین
سبحانی

سر دبیر: فاطمہ صالحی

صفحه آرا: مرضیہ مرادی

هیئت تحریریه: استاد محسن ورمزیار *
فاطمہ صالحی * فائزہ مجذوبی * عطیہ عسگری
و با همکاری واحد خواهران بسیج دانشجویی
دانشگاه صنعتی ہمدان
با تشکر از حجت الاسلام و المسلمین سبحانی

سخن گفتن از شخصیت های بزرگ بشری، به ویژه آنان که هاله ای از تقدس و معنویت پیرامون شان را فرا گرفته، به رغم دشواری های گوناگون، در شمار معدود کارهای شیرین و دلپذیری است که با وجود تکرار نیز، هیچ گاه رنگ فرسودگی به خود نمی گیرد و از آن ملالت بر نمی خیزد.

اما بر آستان بانویی همچون فاطمه(س)، سخنی به ستایش گفتن، یا قلمی در فضیلت او به گردش در آوردن، بیش و پیش از هر چیز، جسارت و گستاخی ای می طلبد که در حد آن ستایش باشد، چرا که در نگاهی دقیق و موشکافانه، هرگونه معرفت و آگاهی یافتن بر یک چیز، گونه ای دستیابی و احاطه بر وجود یا دست کم، ماهیت آن به شمار می آید، و از آنجا که شخصیت بانوی گران قدر و کم نظیر، حضرت صدیقه کبرا(س)، حتی در چشم آنان نیز که پیرو مذهب اهل بیت(ع) نیستند، حقیقتی است فراتر از حد پندار، و آن در گرانمایه خاندان رسالت و نبوت، در افقی از تعالی و والایی قرار دارد که دیده خاک نشینان را رؤیت خورشید بی همتای او، آنگونه که باید و شاید، میسر نیست، کسی که بخواهد در پی شناساندن آن گوهر تابناک هستی برآید، به واقع سودای خام در سر پروریده و باب امتناع را کوفته است:

شمس در خارج اگر چه هست فرد می توان هم مثل او تصویر کرد

شمس جان کو خارج آمد از اثر نبودش در ذهن و در خارج نظیر

البته این سخن، نه بدان معناست که باب هرگونه شناخت و شناساندنی از آن بانوی ارجمند، برای همیشه و بر روی همگان بسته است، بلکه مقصود آن است که در این مقوله نیز، همچون پاره ای مقولات دیگر، نمی بایست پای از گلیم خویش فراتر نهاد و آرزویی فربه تر از توان و ظرفیت محدود بشری در دل آورد و یا توقع داشت که می توان به کنه و حقیقت مرتبه وجودی آن بانوی برین، دست یافت، زیرا همان سان که خواجه شیراز فرمود:

تو را چنانکه تویی هر نظر کجا بیند؟! به قدر دیده خود هر کسی کند ادراک

آری!

گستره شناخت ما از آن بانوی والا مقام، حد ادراک و پرتوی از مرتبه وجودی ما در سلسله بی کران هستی است و لا جرم، قدر و اندازه آن نیز، هم از جهت کمی و هم از لحاظ کیفی، تنها در همان مرتبه ای است که خود در آن قرار گرفته ایم.

این سخن هرچند شیرین، و در عین حال غریب و نیازمند توضیح می نماید، اما مجال این مقال، تاب شرح آن را ندارد...

...پس سخن کوتاه باید والسلام...

فاطمه زهرا سلام الله علیها الگویی حضور اجتماعی سیاسی زن مسلمان

در ادبیات علوم اجتماعی، «حضور» به معنای نقش تاثیرگذار فرد در فرایند زندگی جمعی است؛ اعم از این که این نقش در فضای خانه یا بیرون از آن انجام پذیرد؛ درست به همین دلیل است که نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی در منظر برخی جامعه‌شناسان از اساسی‌ترین نقش‌های اجتماعی بشمار می‌روند. از سوی دیگر، مردان نیز همراه ایفای نقش‌های اجتماعی، مسئولیت و جایگاهی مهم و تاثیرگذار در کانون خانواده برعهده دارند، در نتیجه محدود ساختن زن به دنیای اختصاصی صحیح نیست؛ چرا که این حریم در پیوند با حریم اجتماع معنا می‌شود.

با تأکید بر چنین پیوندی، در حالی که اسلام صلاحیت زنان برای دستیابی به بالاترین مراتب کمال را مورد تأیید قرار داده است، زنان را در مقابل مسایل جامعه خنثی و منفعل نخواست، برعکس قایل به اهتمام همگان به امور مسلمانان، امر به معروف و نهی از منکر است. از این رو و با عنایت به حقوق سیاسی شهروندان در قاموس سیاست اسلامی که نظارت بر حسن

کارکرد مدیران عرصه قدرت است، حضور و مشارکت رنگ جنسیت نمی‌تواند به خود بگیرد که این مهم در عمومیت خطاب‌های دینی در باب فریضه امر به معروف و نهی از منکر آشکارا دیده می‌شود.

الگوی رفتاری پیامبر اعظم در تبیین تکلیف‌مداری زن و مرد در امور مشترک ناظر به هویت انسانی، حضور همگان در عرصه سیاسی را ایجاب می‌نمود و گرچه در زمینه حضور زنان رعایت ضوابط و حدودی به لحاظ حفظ شأن و مقام انسانی آنان مورد تأکید بود، اما این مسأله تغییری در اصل موضوع حضور ایجاد نمی‌کرد. عملیاتی شدن آموزه‌های نبوی در حفظ کرامت و شأن والای انسانی زن در عین حضور و بطلان ابدی ادعای محدود نمودن زن در نگاه اسلام به عرصه خصوصی را باید در رفتار سیاسی- اجتماعی دخت نبوت حضرت فاطمه زهرا(س)، به نظاره نشست.

فاطمه زهرا علیها السلام، در دوران زندگانی خویش دو گونه تجربه می‌آموزد و سنت او و قرائتی که از دین ارائه می‌کند، محصول این دو نوع تجربه یعنی تجربه درونی

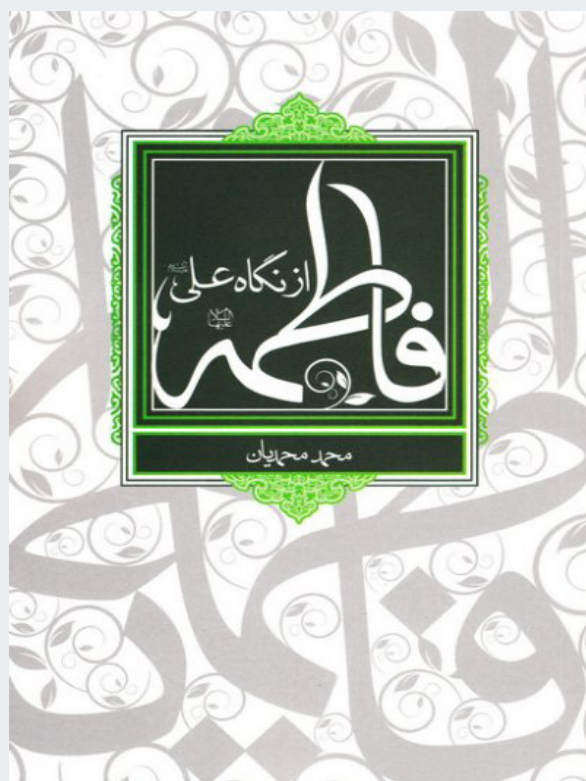
و بر فراز آن تجربه بیرونی می‌باشد. سنت فاطمی به مرور در بستر این دو تجربه، تفصیل بیشتری می‌یابد تا آن جا که فراتر از جنسیت، ناظر به هویت انسانی زن است. در تجربه درونی خویش، الهام و رؤیا و عروج و مراقبه و تفکر و نیایش و اخلاق‌مداری و... دارد و در تجربه بیرونی نیز در دوره‌های گوناگون، برای پدر، مادری می‌کند، همراه و رفیق جماعت دینداران و راهبر خویش است، در ساخت مدینه همپایی می‌کند، تدبیر منزل را بر عهده دارد، با علی همراه می‌باشد، به جنگ می‌رود، در امور سیاسی فعالیت و مشارکت می‌ورزد، با دشمنان شدت و صلابت دارد، دوستان نادان و مدعیان همراهی، اما ناتوان، را نمی‌پذیرد، دوستی دوستان را پاس می‌دارد و امام و رهبر می‌پروراند و بدینگونه، برای «زن الگو» با این تجربه‌ها و حضورهای بیرونی، سنت او جامعیت و تفصیل بیشتری می‌یابد و اجمال‌های بسیاری از قرآن و سنت پیامبر را به تفصیل می‌آورد.

برگرفته از مقاله مجتبی عطار زاده

کتاب فاطمه از نگاه علی سلام الله علیهما ابتدا به بیان علل نامیده شده آن بانوی بزرگ به فاطمه (س) و معنای این اسم پرداخته شده و محبوبیت ایشان نزد خداوند متعال بیان شده است، آن گاه به سروری ایشان نسبت به همه زنان جهان در این جهان و جهان باقی اشاره شده و محوریت خشم و رضای خداوند متعال در خشم و رضای فاطمه زهرا (س) برجسته شده و ابعاد از پاکی، طهارت ظاهری و معنوی، عفت، حیا، عصمت، عبادت و علم ایشان بیان شده است. در ادامه نگارنده از

منظر امام علی (ع) به معرفی شخصیت همسر گرامی ایشان پرداخته و چگونگی ازدواج آن دو با هم و نیز گوشه‌هایی از زندگانی آن دو در کنار هم را توصیف نموده است. نویسنده در همین زمینه به برخی از صفات

فاطمه زهرا (س) از زبان امام علی (ع) مانند تلاش و زحمت او در خانه، قناعت و زهد وی، مظلومیت و حقانیت



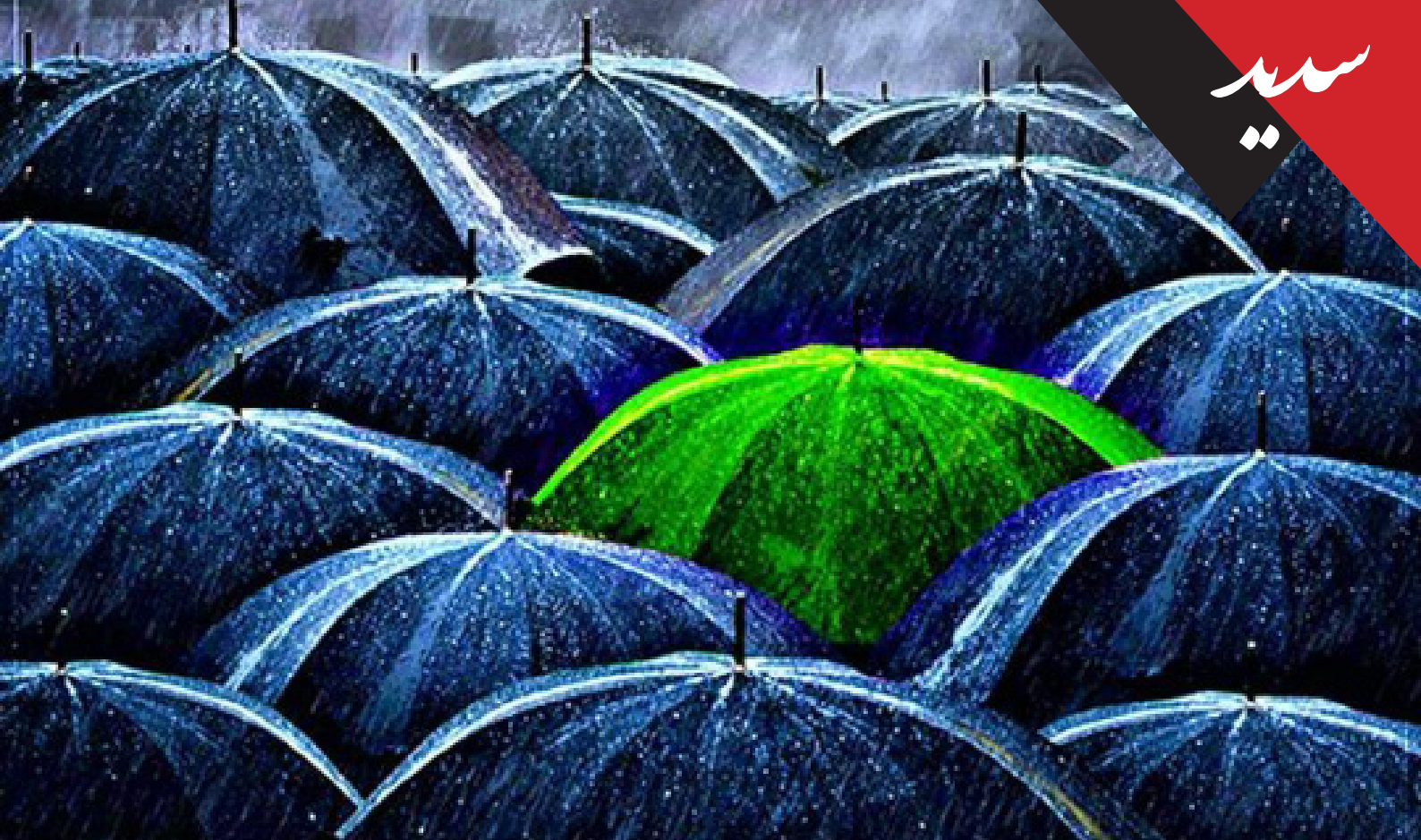
ایشان، روابط صمیمی ایشان با امیرالمؤمنین (ع) در منزل و مصایب ایشان اشاره نموده و چگونگی رحلت و شهادت آن بانوی بزرگ را از زبان امام علی (ع) بیان کرده است. چراکه، نویسنده، معتقد است برای ترسیم چهره ملکوتی

دُخت رسول خدا (ص) و تبیین ابعاد شخصیت بی‌نظیر زهرا (س) کسی بهتر از همسر وی، امیرالمؤمنین (ع) نمی‌تواند لب به سخن بگشاید.

امیرالمؤمنین (ع) از عمق ایمان و صفای دل فاطمه (س) خبر داشت و اوج گرفتن وی را در آسمان معرفت شاهد بود و از تلاطم امواج محبت در سینه دریایی زهرا (س) حکایت‌ها داشت. امیرالمؤمنین (ع) عظمت روح زهرا را می‌شناخت و تعظیم ملائکه بزرگ الهی را مشاهده کرده بود و بر

خود می‌بالید که همسری همچون زهرا (س) دارد.

برگرفته از کتاب
فاطمه از نگاه علی
(سلام الله علیهما)



پشتمندی

امام زمان (عج) در هر سه عالم وجودی، بر ما نظر دارد:

موطن قلب، خیال و موطن حس.

کسی که بتواند نظر امام را به سوی خود جلب کند، امام در موطن قلب از طریق جذب محبت، عشق و حرارت، به او نظر می‌کند.

کسی که با عقل پخته شده در مسیر حرکت می‌کند، حتی خیالش در این که شکلی از امام زمان را در خواب ببیند، کار نمی‌کند. او شعور الهی جامع و فوق العاده‌ای پیدا می‌کند و با این شعور جامع، همراه با رؤیت قلبی امام حرکت می‌کند.

ابعاد ریز و درشت چنین فردی، به طور کامل تحت نظارت صاحب الامر می‌چرخد آن‌هایی که «عند ربهم یرزقون» هستند را با آن‌هایی

که در «جنات تجری من تحتها الأنهار» هستند، مقایسه کنید.

آن کس که مقامش چنان بالا رفته که امام بر قلبش نظر می‌کند، در حقیقت در مقام «عند ملیک مقتدر» است؛

اما آن که امام در عالم رؤیا و خیالش کار می‌کند، نهایتاً در «جنات تجری من تحتها الأنهار» است.

البته یک نوع رؤیت حسی یا توجه امام در عالم حس نیز داریم، که امام این کار را از طریق اولیاء یا ماموران خاصش انجام می‌دهد. و گاهی خود امام اراده به دیدار می‌فرمایند که این مورد، بسیار بسیار کم است.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ

داستان دست‌ها

تاریخ نشان می‌دهد دست‌ها می‌توانند خیلی عزیز باشند و سرنوشت ساز. دست‌هایی که دست خدا در آستین خلقت و تفسیر "آیه‌ی یدالله فوق ایدیه‌م". دست‌هایی که نشان داده‌اند یک دست صدا دارد، گاهی خیلی هم زیاد... مثل دست بانویی که یک روز در سال یازدهم هجری قمری، کنار در آتش گرفته‌ای، گوشه‌ی عبای مولای ما را می‌گیرد که او را به ناحق نبرند، مردی که حق با اوست و او با حق. صدای دست آن بانو که قلاف شمشیری از دامن مولا جدایش کرد، در اعماق قرون می‌پیچد، و می‌رسد به اینجا، سال ۱۴۴۳ ه.ق! یک روز حوالی ظهر در سال ۶۳ ه.ق هم دو دست روی زمین سوزان صحرا افتاد، دو دستی که قرار بود آب بیاورد، دو دستی که امید بود و امنیت... صدای این دست‌ها هنوز هم می‌آید، هر روز بلند و بلند تر از دیروز! و می‌گویند صدایش تا قیامت ادامه دارد، تا آنجا که مادری با این دست‌ها برای شفاعت می‌آید... بعد از ظهر همان روز صدای دست پسر بچه‌ی یازده ساله‌ای از خیل

شمشیر و نیزه‌ها بیشتر

می‌شود، دستی که

می‌خواهد ضامن عمویش

شود، دستی که

مقابل شمشیرها بلند

شد و بر روی سینه‌ی

عمو افتاد، با صدای بلند!

قصه‌ی دست‌های عزیز و گرمی

در عصرهای مختلف تکرار می‌شود

و صدایش در تمام آینده می‌پیچد.

یک روز صبح هم ما با قصه‌ی دست شما

بیدار شدیم! همین دو سال پیش، صبح تلخ

جمعه سیزدهم دی‌ماه... صبحی که جای

پیام صبح بخیر، عکس دست شما در تمام

بالا تا پایین فضای مجازی جابجا می‌شد.

آن یدالله در آستین، همان دستی که

امید و دلخوشی ما بود، حالا روی

زمین بود، خاک آلوده و غرق خون!

عالم و آدم گواه است که چقدر اتفاق بد

به دست تو نگاه داشته شد تا بر سر ما نیفتد، دست هایت، دست های محکم تو! که هنوز هم ویرانی‌های زیادی تکیه به آن داده‌اند و روی این خانه نمی‌ریزند. یادم می‌آید یک ماهی بیشتر از آن صبح جمعه‌ی تلخ گذشته بود که یک جوان خوش قلم عراقی جمله‌ای توییت کرده بود که الحق به دلنشین ترین وجه، دلتنگی و قهر جهان را به زبان می‌آورد: "عندما قطعت يد الشهيد قاسم سليمانی بعد شهر فقط! مُنعت المصافحة فی جمیع العالم بامر الله عز و جل"، به زبان ما نوشته بود: وقتی دست حاج قاسم قطع شد، یکماه بعد، دست دادن برای کل عالم ممنوع شد به امر خدا ... اصلا انگار زمان بعد از آن

اتفاق قفل شد، جهان با یک بیماری ما را به خلوتی سرد در خانه‌هایمان دعوت کرد. ما خانه نشین‌های اسیر بیماری این روزهای جهان، ما مردمان قرن چهاردهم، ما که خیلی خاطره‌ها، آرزوها و حتی آدم‌ها را پشت این وقفه‌ی دو ساله جا گذاشته‌ایم، چقدر دلمان برای آن دست‌ها تنگ شده، آن دست‌ها که خیلی گره گشا بود، خیلی محکم بود، چقدر قول‌هایت را عملی کرد و چقدر منبع امید بود. چقدر واژه‌ها را کنار هم چیدم، جابجایشان کردم، بالا و پایینشان کردم تا بشود از شما نوشت، اما واژه‌ها خیلی وقت‌ها در بیان مفاهیم کم می‌آورند... گفتم واژه‌ها! واژه‌ها رسالت سنگین معانی را به دوش

دارند. بعضی واژه‌ها، بارشان سنگین تر است! مثلاً واژه‌ی "سرباز"، سربازی که باید سنگینی هزاران معنی در قلب هزاران هزار نفر را به عهده بگیرد، "سرباز" که از "سردار" و "سپهبد" سنگین تر شد و روی سنگ مزار شما نشست! حاج قاسم! این واژه، "سرباز"، تا دنیا دنیاست شرمنده‌ی پی‌نوشت: یک بیت شعر از آقای اسماعیل علیخانی خیلی دلگرم کننده‌ست: "رفته سردار نفس تازه کند برگردد، چون ظهور گل نرگس به خدا نزدیک است."

فائزه مجذوبی



۱۲- قرآن خود را نور معرفی می کند؛ «نُورًا مُبِينًا» (نساء/ ۱۷۴)، امام حسین (ع) نیز نور معرفی شده است. «أَشْهَدُ أَنْكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ» (کامل الزیارات، ص ۲۳۰)

۱۳- قرآن در طول تاریخ و برای تمام مردم است؛ «لَمْ يَجْعَلِ الْقُرْآنَ لِزَمَانٍ وَ لِلنَّاسِ دُونَ نَاسٍ» (سَفِينَةُ الْبَحَارِ، ج ۲، ص ۴۱۳)، درباره امام حسین (ع)

نیز وارد شده است که آثار قیام کربلا از تاریخ محو نخواهد شد. «لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَ لَا يَمْحَى رَسْمُهُ» (مَقْتَلِ مَقْرَم، ۳۹۷)

۱۴- قرآن، خود را کتاب مبارک معرفی نموده است؛ «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ» (صَاد/ ۲۹)، حرکت امام حسین (ع) و شهادتش سبب برکات فراوان و رشد اسلام شده است. «اللَّهُمَّ

فَبَارِكْ لِي فِي قَتْلِهِ» (بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۴۴، ص ۲۴۷، باب ۳۰). (مَقْتَلِ خَوَارِزْمِيِّ، ج ۱، ص ۱۶۴)، (این سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله است)

*پیامبر (ص) فرموده است: «اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لِي فِي قَتْلِهِ وَ لَا تُبَارِكْ فِي قَاتِلِهِ» «خدایا شهادت او را برای من مبارک فرما و در قاتلش برکت قرار مده.

(بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۴۴، ص ۲۴۷، باب ۳۰) ۱۵- در قرآن «غَيْرِ ذِي عِوَجٍ» (سوره زَمْر، آیه ۲۸) است، یعنی هیچگونه در آن انحرافی وجود ندارد؛ درباره امام حسین (ع) آمده است؛ لحظه ای از

حق به باطل گرایش پیدا نکرد. «لَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ» (فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۱)

۱۱۶- قرآن خود را کریم معرفی نموده است؛ «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعه/ ۷۷)،

امام حسین (ع) هم دارای اخلاق کریم است. «وَ كَرِيمٌ الْخَلَاقِ» (نفس المهموم، ۷)

۱۷- قرآن خود را عزیز معرفی کرده است؛ «وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ» (فُصِّلَتْ/ ۴۱)، امام حسین (ع) فرمود:

هرگز زیر بار ذلت نمی روم. «هَمِيهَاتٍ مِّنَ الذَّلَّةِ» (لَهُوف، ص ۵۴)

۱۸- قرآن، خود را ریسمان مُحکَم می داند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ...

الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى» (بِحَارِ، ج ۹۲، ص ۳۱)، امام حسین نیز کشتی نجات و

ریسمان محکم است: «إِنَّ الْحُسَيْنَ... سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى» (پرتوی

از عظمت حسین، ۶)

۱۹- قرآن، دارای بینه و دلیل آشکار است؛ «فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ»

(أَنْعَامُ/ ۱۵۷)، امام حسین (ع) هم دارای بینه و دلیل است. «أَشْهَدُ أَنْكَ

عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ» (فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۵)

۲۰- از آداب تلاوت قرآن این

است که باید به آرامی و با تأنی تلاوت کرد؛ «وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»

(مَزْمَل/ ۴) در زیارت قبر مطهر امام حسین (ع) نیز باید با گام های آرام و

با تأنی حرکت کرد. «وَ امْشِ بِمَشْيِ الْعَبِيدِ الذَّلِيلِ» (کامل الزیارات، ص ۲۲۱)

۲۱- بر اساس روایت تلاوت قرآن باید با حُزن همراه باشد؛ «فَاقْرَأْهُ بِالْحُزْنِ»، زیارت امام حسین (ع)

هم باید با حُزن همراه باشد. «... إِذَا أَرَدْتَ أَنْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (ع) فَزُرْهُ وَ أَنْتَ كَثِيبٌ حَزِينٌ شَعِثٌ...» هرگاه

قصد زیارت امام حسین (ع) کردی با حال غصه و حُزن و زیارت کن.

(کامل الزیارات، ص ۱۳۱)

استاد محسن ورمزیار



قبل از هر چیز بدانید که شما قرار نیست اینجا یک متن پژوهشی یا یک دل‌نوشته بخوانید بلکه این نوشته زاویه نگاه یک نفر غیرمتخصص در این دو حوزه را روایت می‌کند که بدش نمی‌آید این نتیجه شخصی را شما به اشتراک بگذارید. یک‌بار جایی خواندم که مادرها مثل نخ تسبیح می‌مانند، به نسبت دانه‌ها کم‌تر به چشم می‌آیند اما اگر نباشند، دانه‌ای سر جای خودش نیست... زندگی ما احتمالاً پر از لحظه‌هایی بوده که با تمام وجود به نقش محوری مادران پی برده‌ایم که یا فراموش کرده‌ایم یا به خاطر داریم. همه ما یا اگر بخوایم دقیق‌تر بگوییم بعضی از ما این سخن بزرگان را شنیده‌ایم که خود معصومین هم وقتی قرار است واسطه شوند تا خدا گره‌ای را باز کند به حضرت زهرا (س) متوسل می‌شوند. کسی چه می‌داند شاید حضرت پیش خدا از همه آبرودارتر و محبوب‌ترند... با تمام این اوصاف، مهم‌ترین رویداد فرهنگی مذهبی و البته مردمی کشور، محرم و صفر و به صورت کلی معطوف به شخصیت والای امام حسین (ع) است که نشان‌دهنده عشق و دلدادگی مردم ما به حضرت سفینه‌النجاة است. با اینکه همه این‌ها از داشته‌های ارزشمند ماست و باید با چنگ و دندان حفظش کنیم، به نظر می‌رسد نیاز است که فاطمیه هم اگر نه بیشتر از محرم، بلکه به همان اندازه بزرگ و مهم شمرده شود. همین‌جا برای اینکه برداشت اشتباهی نشود، بگوییم که خواسته این نوشته اصلاً این نیست که فاطمیه و عاشورا را باهم مقایسه کند، یا یکی را در مقابل دیگری قرار دهد... چراکه اصلاً در حد و اندازه این کارها نیست. بلکه نگارنده می‌خواهد خواسته «بزرگ شمردن فاطمیه» را یادآور شود. اما برخورد ما با فاطمیه از تاریخی به بعد شکل دیگری به خود گرفت. ۱۳دی ماه ۱۳۹۸

آن قدر آغشته شده بود که یکی از فرعی‌ترین نتایج شهادتش همین بود که قدری از گمنامی مادرش بکاهد. شاید شما هم آن کلیپ سخنرانی سردار سلیمانی در زمان دفاع مقدس را دیده باشید که از مادری حضرت زهرا (س) در جبهه برای مادران شهدا می‌گویند، یا اینکه آن قدر فاطمیه برایشان مهم بود که طبقه پایین منزلشان را مکانی برای روضه‌های حضرت قرار داده بودند و آخر هم مانند مادرش شهید راه ولایت شد. به نظر نگارنده این سطور یکی از نزدیک‌ترین راه‌ها به شفاعت و شادی روح سردار، بزرگ داشتن فاطمیه به طرزی درست است. به امید روزی که سردار پرافتخار ما با حضرت ولی عصر (عج) قبر خاکی مادرشان را نشانمان بدهند..

عطیه‌سگری

که بعدها در تاریخ جمهوری اسلامی یکی از اثرگذارترین روزها نام خواهد گرفت، یکی از عزیزترین اسطوره‌های مردم ایران شهید شد و شهادتش با تمام اثراتی که داشت، تلاشی برای زدودن غبار از گمنامی مادر تاریخ شد... همه ما نقش کلیدی حضرت زهرا(س) را می‌دانستیم اما شهادت حاج قاسم سلیمانی تلنگری برای بازدانستن این حقیقت بود. بعد از شهادت آن سردار رشید، خیلی از ما نوجوان‌ها و جوان‌ها به فکر افتادیم تا از منش و روش آن سپهبد خوشنام الگو بگیریم؛ به هر چیزی دستمان می‌رسید چنگ می‌انداختیم تا ذره‌ای از این شخصیت والا بدانیم. کلیپ، نوشته، خاطره و... همه و همه وسیله‌ای بود برای اینکه ذره‌ای شبیه او شویم. عصاره زندگی سردار یک اسم بود: حضرت زهرا(س) سردار به نام و منش حضرت صدیقه طاهره(ع)



عاشق شده است دانه به دانه هزار بار
دل خون و سینه چاک و برافروخته انار
فریاد بی صداست ترک‌های پیکرش
از بس که خورده خون دل از دست روزگار
پاشیده رنگ سرخ به پیراهن خزان
بسته حنا به پینه دستان شاخسار
در سرزمین گرم، انار آتشین شود
یاقوت را می‌آورد آتشفشان به بار
با دست خود به حوصله پنهان نموده است
یک دانه از بهشت در او آفریدگار
آن میوه‌ای که ساخته تسبیحی از خودش
شکر است بر زبانش، فی الیل و النهار
آن میوه ای که فاطمه آن را طلب نمود
چون باب میل اوست شد این میوه تاجدار
آن بانویی که نام خودش شعر مطلق است
در وصفش استعاره نیاید به هیچ کار
نامی که داده است به زن قیمتی دگر
نامی که داده است به مردان هم اعتبار
آن نام را می‌آورم، اما نه بی‌وضو
دل را به آب میزنم، اما نه بی‌گذار
جبر آن زمان که پشت در خانه‌اش نشست
برخواست آن قیامت عظمی به اختیار
رفت آنچنان که از نفس افتاد جبرئیل
گویی محمد است به معراج رهسپار
شد عرصه گاه تنگ، ولی ماند پشت در
چون ماندن علی به احد ماند، استوار
برگشت زخم خورده، ولی فاتح نبرد
چون بازگشت حمزه از آشوب کارزار
در خون خضاب شد تن یاران بعد از او
آنها که نام «فاطمه» را می‌زنند جار
من از کدام یک بنویسم که بوده‌اند
حجاج‌ها به ورطه تاریخ بی‌شمار
آنها که با غرور نوشتند ساختیم
دریاچه‌های احمری از خون این تبار
از کربلا به واقعه فح رسیده‌ایم
از عمق ناگوارترین‌ها به ناگوار

محمود غزنوی به عداوت مگر نساخت
از استخوان فاطمیان چوبه‌های دار
بوسهل زوزنی به شرارت هنوز هم
محکوم می‌کند حسنک را به سنگسار
در لمعه الدمشقیه جاریست همچنان
خون شهید اول و ثانی چون آبشار
اما هنوز هم به تاسی ز فاطمه
نام علیست روی لب شیعه آشکار
بیت از هلالی جُفتایی نشسته است
از آن شهید شیعه به ذهنم به یادگار
«جان خواهیم از خدا نه یکی، بلکه صد هزار
تا صد هزار بار بمیرم برای یار»
فرق است، فرق فاحشی از حرف تا عمل
راه است، راه بی‌حدی از شعر تا شعار
اینک مدافعان حرم شعله پرورند
تا در بیاورند از آن دودمان دمار
با تیغ آبدیده‌ای از نوع اعتقاد
با اعتقاد محکمی از جنس ذوالفقار
زهراست مادر من و من بی‌قرار او
آن نام را می‌آورم آری به افتخار
آن بانویی که وقت تشرف به رستخیز
پیغمبران پیاده می‌آیند و او سوار
فریاد می‌زنند که سر خم کنید، هان
تا از صراط بگذرد آیات سجده دار
هرجا نگاه می‌کنم آنجا مزار اوست
پنهان و آشکار چنان ذات کردگار
اینها که گفته‌ایم یکی بود از هزار
اما هنوز شیعه مصمم، امیدوار...

هر فعالیت و تفکر خوبی که به انسان احساس سبک‌باری و رضایت بدهد، مثبت است و سبب به آرامش رسیدن می‌شود. یکی از این کارهای مثبت و خوب «نذر کردن» است. در فرهنگ ما نذر کردن و نذری دادن به‌ویژه در ایام سوگواری و شهادت جایگاه ویژه‌ای دارد و عده زیادی این رسم را به جا می‌آورند. درست کردن نذری به صورت دست‌جمعی نیز شور و صفای خودش را دارد. از قدیم همه با هم برای تهیه و پخت نذری بسیج می‌شدند تا هم در ثواب آن شریک شوند هم در درست کردن آن کمک شود.

با مقدار موادی که در این دستور قرار گرفته است می‌توانید برای ۴ نفر شله زرد تهیه کنید. در صورتی که می‌خواهید مقداری کمتر یا بیشتری شله زرد تهیه کنید کافیست مقدار مواد را ضرب یا تقسیم کنید.

مواد لازم	مقدار لازم
برنج خیس کرده	یک پیمانه
شکر	دو پیمانه
زعفران	یک قاشق چای خوری
گلاب	نصف پیمانه
عرق هل یا دم کرده	سه قاشق غذا خوری
کره گیاهی یا روغن مایع	پنجاه گرم
خلال بادام	نصف پیمانه

پخت شد شکر را کم کم به برنج اضافه کنید و شله زرد نذری را هم بزنید تا شکر و برنج مخلوط شوند. مقدار شیرینی شله زرد کمی سلیقه‌ای است ولی به طور معمول شکر ۲ برابر مقدار برنج در نظر گرفته می‌شود. شکر را وقتی برنج کاملاً مغزپخت شد اضافه کنید. در غیر این صورت برنج خوب نمی‌پزد. برای چشیدن شله زرد مقداری بگذارید سرد شود چون بعد از سرد شدن مقدار شیرینی آن بیشتر می‌شود. خلال بادام را می‌توان همراه با شکر در برنج ریخت تا نرم شود. وقتی شله زرد به غلظت کافی رسید می‌توانید زعفران و گلاب را نیز اضافه کنید سپس به سراغ افزودن کره یا روغن مایع بروید. از زمان افزودن شکر و بقیه مواد باید مرتب شله زرد را هم بزنید تا ته نگیرد. وقتی شله زرد به غلظت مورد نظر رسید درب ظرف را بسته و زیر شعله را بسیار کم کنید تا شله زرد حسابی جا افتاده و لعابدار شود. ۱۵ دقیقه در حرارت بسیار کم برای جا افتادن شله زرد کافی است. اکنون زیر شعله را خاموش کرده و از یک طرفند ویژه برای خوش آب و رنگ شدن و دم کشیدن شله زرد نذری استفاده کنید. کافی است شله زرد نذری را با یک دم کنی بپوشانید و به مدت نیم ساعت بدون شعله استراحت دهید.



آماده سازی قبل از پخت شله زرد نذری

ابتدا برنج را پاک می‌کنیم و در قابلمه ای می‌ریزیم و با کمی گلاب و زعفران از شب قبل بدون ریختن نمک خیس می‌کنیم ریختن زعفران در هنگام خیس کردن باعث خوش رنگ شدن دانه‌ای برنج می‌شود، بادام‌ها را نیز ۱ ساعت جلوتر از شروع پخت شله زرد در کاسه ای از آب و گلاب می‌ریزیم تا خیس بخورند و نرم شوند. سعی کنید از قابلمه تفلون استفاده نکنید. چون احتمالاً با ملاقه فلزی می‌خواهید کف قابلمه را هم بزنید.

شروع پخت شله زرد نذری

در یک قابلمه بزرگ آب ریخته و آن را بر روی شعله قرار دهید. آب باید به مقدار ۷ برابر برنج در نظر گرفته شود. وقتی آب به جوش آمد می‌توانید برنج خیس خورده را در آب جوش بریزید. البته قبل از آن آب اضافی برنج را خالی کنید. تا زمانی که آب و برنج به جوش بیایند شعله را زیاد کنید. پس از به جوش آمدن باید حرارت زیر قابلمه را کمتر کنید تا برنج کاملاً مغز پخت شود. در حدود ۲ ساعت زمان برای مغز پخت شدن برنج در نظر بگیرید. در این مدت نیازی به هم زدن برنج به طور مرتب نیست. مراقب باشید برنج ته نگیرد. وقتی برنج کاملاً مغز

📢 فراخوان همکاری

نشریه سدید از تمامی دانشجویان ارجمند که علاقمند به فعالیت در زمینه نویسندگی، تولید محتواهای اجتماعی، فرهنگی و هنری، ویراستاری و صفحه آرایی هستند دعوت به همکاری می نماید. علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند از طریق ارتباطی زیر اقدام نمایند:

[@Nahad_sanati_1400](https://www.instagram.com/Nahad_sanati_1400)

